





دانشگاه قم  
دانشکده الهیات و معارف اسلامی  
پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی

**عنوان :**

**بررسی و نقد پوچ‌گرایی از منظر علامه  
طباطبایی (ره) و استاد مطهری**

استاد راهنما:

**دکتر اقدس یزدی**

نگارنده:

**گیسیا محمدی**

پائیز/ ۱۳۹۳

# تقدیم :-

قطب عالم امکان، خلیفہ اللہ فی الارض رہنمای عالم ظاہر و باطن، روشنگر راہ زندگی و شعل فروزان سیرالی اللہ،

حضرت بقیۃ اللہ الاعظم روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمہ الفداء و کریمہ اہل بیت حضرت

فاطمہ معصومہ (س)؛

و بہ دو فرشتہ مہربان، چشمہ ہای جوشان محبت، جلوہ ہای مہر و عطف الہی، بخت ہای پرہیز زندگی پدر و مادر

عزیزم کہ در تمام مراحل زندگی، بہ من راہ و رسم دست زیستن را آموختند.

## تقدیر و قدرانی

حال که از روی لطف به من فرصت دادی در راه علمی قدم بگذارم که انتهایش وجود تو است  
از تومی خواهم: روح لبریز از بودن تو باشد، احساسم جز از فراق تو درد نکشد،  
و فکرم جز به عظمت نیندیشد.  
پدر و مادر عزیزم:

روزها و لحظه‌هایی را در نبود شما گذراندم، روزهایی پر از اضطراب و دل‌تنگی، می‌دانم تمام آن‌چه که سختی عبور این روزها  
را بر من آسان می‌کرد، دعاها و آرزوهای بود که بدرقه راهم کرده بودید.  
استاد بزرگوار خانم دکتر نژیادی پاس من بردقت نظر شماست که بی‌شک تاثیر شگرفی بر روند نگارش پایان‌نامه ام  
داشته و فراتر از آن بر چگونگی اندیشیدنم و نگاهم به پدیده‌های رازآلود دنیا.

## چکیده

پوچ‌گرایی تفکری است که بر زندگی بشر امروزی سایه انداخته، همه‌ی ارزش‌ها را بی‌ارزش کرده و منجر به بحران عمیق معنوی در زندگی بشر شده است. پوچ‌گرایی مبتنی بر اصولی است که از نظر فلسفی و دینی قابل بحث و ابطال‌اند. در این رساله ما در پی ابطال مبانی پوچ‌گرایی در حوزه‌ی اندیشه‌ی مرحوم علامه طباطبایی(ره) و استاد شهید مطهری هستیم. مهم‌ترین مبانی پوچ‌گرایی که منجر به بی‌هدفی و بی‌معنایی زندگی می‌شوند عبارت‌اند از: بی‌خدایی، مسئله‌ی مرگ، مسئله‌ی خلقت، جبر و عدم اختیار، مسئله‌ی شر، درد و رنج، از خود بیگانگی و... براساس تفکر مرحوم علامه طباطبایی و شهید مطهری که برگرفته از تعالیم وحی است، خلقت انسان هدفمند است، با اثبات وجود خدا از طرق فلسفی و شهودی، اعلا هدف آفرینش انسان نیل به مقام عبودیت در سایه‌ی معرفت است. انسان در دار طبیعت تنها رها نشده، بلکه لطف و عنایت الهی همواره با اوست و او با یاد خدا بودن و ذکر خدا گفتن مانع از خودبیگانگی و خودباختن می‌شود. با نظر به صفت حکمتی که برای خدای متعال قائلیم، شکست‌ها، ناکامی‌ها و مصائب را با دیده‌ی مثبت، براساس مصلحت و مشیت الهی نگریسته و آن‌ها را برای رسیدن انسان به خیرهای برتر و اعلی می‌دانیم. از این جاست که انسان الهی شری نمی‌بیند و همه چیز را چون تحت تدبیر و اراده‌ی الهی است، زیبا می‌بیند و درد و رنج را برای انسان مؤمن مایه‌ی آگاهی، بیداری، تهذیب نفس و تصفیه‌ی اخلاق می‌داند و مرگ را نقطه‌ی عطفی در مسیر حرکت اشتدادی وجود انسان و دروازه‌ای به دنیایی بزرگ‌تر دانسته است. با مختار آفریدن انسان او را در انتخاب راه زندگی‌اش آزاد گذاشته، چون در صورت جبری بودن انسان تکلیف در دنیا و جزا در آخرت به کلی باطل می‌شود. روش تحقیق در این رساله به صورت کتابخانه‌ای است.

**واژگان کلیدی:** پوچ‌گرایی، نیهیلیسم، علامه طباطبایی(ره)، شهید مطهری.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	کلیات.....
۳.....	۱. تعریف مسأله.....
۳.....	۲. سوالات تحقیق.....
۴.....	۳. فرضیات.....
۴.....	۴. ضرورت و هدف تحقیق.....
۴.....	۵. پیشینه‌ی تحقیق.....
۵.....	۶. مفهوم شناسی.....
۵.....	۷. معنای لغوی پوچ‌گرایی.....
۷.....	۸. معادل‌های فارسی پوچ‌گرایی.....
۷.....	۹. معنای اصطلاحی پوچ‌گرایی.....
۸.....	۱۰. زندگی‌نامه علامه طباطبایی (ره).....
۹.....	۱-۱۰. ۱. روش علمی.....
۹.....	۲-۱۰. ۲. ویژگی‌های علامه.....
۱۰.....	۳-۱۰. ۳. تواضع علامه طباطبایی نسبت به معصومین علیهم‌السلام.....
۱۰.....	۴-۱۰. ۴. آثار علامه.....
۱۱.....	۱۱. ۱. شرح مختصر زندگانی شهید مطهری.....
۱۴.....	۱-۱۱. ۱. آثار شهید مطهری.....
۱۵.....	فصل اول بررسی پوچ‌گرایی.....
۱۶.....	۱-۱. ۱. پوچ‌گرایی در بستر تاریخ تفکر انسان.....
۱۷.....	۱-۱-۱. ۱. ادوار سه‌گانه پوچ‌گرایی در تاریخ تفکر غرب.....
۱۷.....	۱-۱-۱-۱. ۱. پوچ‌گرایی یونانی - رومی.....

- ۱-۱-۱-۲. پوچ‌گرایی مستتر و شبه شریعت مآبانه ی قرون وسطایی ..... ۱۹
- ۱-۱-۱-۲-۱. تفکر و فرهنگ قرون وسطایی ..... ۱۹
- ۱-۱-۱-۲-۲. ادوار تفکر قرون وسطایی ..... ۲۰
- ۱-۱-۱-۳. ویژگی‌های پوچ‌گرایی قرون وسطایی ..... ۲۰
- ۱-۱-۱-۴. تأثیرپذیری تفکر قرون وسطی از پوچ‌گرایی یهودی ..... ۲۱
- ۱-۱-۱-۵. تمایز و شباهت این دو دوره پوچ‌گرایی ..... ۲۲
- ۱-۱-۱-۳. پوچ‌گرایی مضاعف و اومانستی مدرن ..... ۲۲
- ۱-۱-۱-۳-۱. ویژگی‌ها و پیامدهای دوره مدرنیته ..... ۲۳
- ۱-۱-۱-۳-۲. سه دوره پوچ‌گرایی مدرن ..... ۲۴
- ۱-۱-۱-۳-۱-۱. پوچ‌گرایی مدرن رنسانسی ..... ۲۴
- ۱-۱-۱-۳-۲-۲. پوچ‌گرایی ارزش‌گذار عصر به‌اصطلاح روشن‌گری ..... ۲۵
- ۱-۱-۱-۳-۲-۳. پوچ‌گرایی خودویرانگر پسامدرن ..... ۲۷
- ۱-۱-۲. مقایسه سه دوره پوچ‌گرایی در تاریخ تفکر غرب ..... ۲۹
- ۱-۱-۳. تقسیم‌بندی دیگری از دوره پوچ‌گرایی در اروپا ..... ۳۰
- ۲-۱. زمینه‌ها و علل گرایش به پوچ‌گرایی..... ۳۲**
- ۱-۲-۱. علل و زمینه‌های گرایش به پوچی در قرون وسطایی ..... ۳۳
- ۱-۲-۲. دلایل پوچ‌گرایی در عصر جدید ..... ۳۴
- ۱-۲-۳. علل گرایش انسان به پوچی ..... ۳۴
- ۱-۳-۲-۱. عوامل اعتقادی ..... ۳۶
- ۱-۳-۲-۱-۱. معمای آفرینش ..... ۳۶
- ۱-۳-۲-۲. نداشتن هدف ..... ۳۷
- ۱-۳-۲-۳. راز مرگ ..... ۳۷
- ۱-۳-۲-۴. ماده‌گرایی ..... ۳۷

- ۳۹ ..... عوامل روانی ..... ۲-۳-۲-۱
- ۳۹ ..... ناکامی در اهداف زندگی ..... ۱-۲-۳-۲-۱
- ۳۹ ..... نارسایی‌های تربیتی ..... ۲-۲-۳-۲-۱
- ۴۰ ..... ناسازگاری با محیط ..... ۳-۲-۳-۲-۱
- ۴۱ ..... شک در کارآمدی عقل ..... ۴-۲-۳-۲-۱
- ۴۱ ..... شک روانی ..... ۵-۲-۳-۲-۱
- ۴۱ ..... عقده حقارت ..... ۶-۲-۳-۲-۱
- ۴۲ ..... عوامل اجتماعی ..... ۳-۳-۲-۱
- ۴۲ ..... واژگونی ارزش‌ها ..... ۱-۳-۳-۲-۱
- ۴۲ ..... شرایط نابسامان محیط اجتماعی ..... ۲-۳-۳-۲-۱
- ۴۳ ..... علل پوچ‌گرایی از زبان نیچه ..... ۴-۲-۱
- ۴۳ ..... عوامل تشدیدکننده‌ی گسترش پوچ‌گرایی ..... ۵-۲-۱
- ۴۴ ..... عامل اول، کاهش ارزش انسان ..... ۱-۵-۲-۱
- ۴۴ ..... عامل دوم، نداشتن انتخاب ..... ۲-۵-۲-۱
- ۴۴ ..... هیولای ابزار ..... ۳-۵-۲-۱
- ۴۵ ..... عامل چهارم، ازدهای قدرت ..... ۴-۵-۲-۱
- ۴۵ ..... عامل پنجم، روش خشک کارخانه‌ای ..... ۵-۵-۲-۱
- ۴۷ ..... ۳-۱. انواع پوچ‌گرایی و چهره‌های شاخص آن ..... ۳-۱-۱
- ۴۸ ..... ۱-۳-۱. مکتب‌های خوش‌بینی و بدبینی ..... ۱-۱-۳-۱
- ۴۸ ..... ۱-۱-۳-۱. ادله‌ی طرف داران مکتب بدبینی ..... ۲-۱-۳-۱
- ۴۹ ..... ۲-۱-۳-۱. مکتب دوم، مکتب خوش‌بینی ..... ۳-۱-۳-۱
- ۵۰ ..... ۳-۱-۳-۱. مکتب سوم، مکتب «ملیوریسم» ..... ۴-۱-۳-۱
- ۵۰ ..... ۴-۱-۳-۱. نظر شوپنهاور درباره‌ی خوش‌بینی و بدبینی



- ۵۰ ..... ۲-۳-۱. پوچ گرایى آلمان و روسیه
- ۵۱ ..... ۳-۳-۱. انواع پوچ گرایى
- ۵۱ ..... ۱-۳-۳-۱. پوچ گرایى معرفت‌شناختى
- ۵۲ ..... ۲-۳-۳-۱. پوچ گرایى نسبى بودن حقیقت
- ۵۳ ..... ۳-۳-۳-۱. پوچ گرایى وجودى
- ۵۳ ..... ۴-۳-۳-۱. پوچ گرایى سیاسى
- ۵۴ ..... ۵-۳-۳-۱. پوچ گرایى اخلاقى
- ۵۵ ..... ۴-۳-۱. تقسیم‌بندى پوچ گرایى از نظر نیچه
- ۵۶ ..... ۵-۳-۱. اشکال جدید پوچ گرایى
- ۵۷ ..... ۶-۳-۱. پوچ گرا و طرز فکر او
- ۵۷ ..... ۱-۶-۳-۱. شوپنهاور
- ۶۳ ..... ۲-۶-۳-۱. داستایوسكى
- ۶۷ ..... ۳-۶-۳-۱. نیچه
- ۷۸ ..... ۴-۶-۳-۱. فرانتس كافكا
- ۸۲ ..... ۴-۱. مبانى پوچ گرایى
- ۸۲ ..... ۱-۴-۱. فلسفه پوچى
- ۸۳ ..... ۱-۱-۴-۱. سؤالات مهم پوچ گرایى
- ۸۳ ..... ۲-۱-۴-۱. منشأ پوچ گرایى
- ۸۴ ..... ۳-۱-۴-۱. مضامین کلی پوچ گرایى
- ۸۴ ..... ۴-۱-۴-۱. تفاوت نفى نیهیلیستى با دیگر نفى‌ها
- ۸۴ ..... ۲-۴-۱. مبانى تفکر پوچ گرایى
- ۸۴ ..... ۱-۲-۴-۱. خلقت
- ۸۶ ..... ۲-۲-۴-۱. بی‌معنایى زندگى

- ۳-۲-۴-۱. بی‌خدایی ..... ۸۸
- ۴-۲-۴-۱. تصویر نادرست در مورد انسان ..... ۹۰
- ۵-۲-۴-۱. انحصار حیات در حیات دنیوی ..... ۹۱
- ۶-۲-۴-۱. مسئله شر ..... ۹۱
- ۷-۲-۴-۱. استدلال مربوط به جبر و عدم اختیار انسان ..... ۹۳
- ۸-۲-۴-۱. نفی ارزش‌ها ..... ۹۳
- ۹-۲-۴-۱. مسئله‌ی زمان ..... ۹۴
- ۱۰-۲-۴-۱. سکولاریسم ..... ۹۴
- ۱۱-۲-۴-۱. ناکارآمدی عقل ..... ۹۴
- ۱۲-۲-۴-۱. طبیعت‌گرایی ..... ۹۵
- ۱۳-۲-۴-۱. از خودبیگانگی ..... ۹۵
- ۵-۱. پوچ‌گرایی در عصر جدید و آثار و پیامدهای آن ..... ۹۷**
- ۱-۵-۱. عصر جدید ..... ۹۷
- ۲-۵-۱. خلأ وجود در زندگی بشر امروزی ..... ۹۹
- ۳-۵-۱. رخنه‌ی نامحسوس پوچ‌گرایی به زندگی بشر امروزی ..... ۱۰۰
- ۴-۵-۱. ابعاد رخنه‌ی پوچ‌گرایی در زندگی بشر ..... ۱۰۱
- ۵-۵-۱. ویژگی‌های روانی انسان پوچ‌گرا ..... ۱۰۱
- ۶-۵-۱. آثار کلی پوچ‌گرایی ..... ۱۰۲
- ۱-۶-۵-۱. خودکشی ..... ۱۰۳
- ۲-۶-۵-۱. بی‌پناه بودن انسان ..... ۱۰۴
- ۳-۶-۵-۱. اسارت ..... ۱۰۴
- ۴-۶-۵-۱. ترس و اضطراب ..... ۱۰۴
- ۵-۶-۵-۱. احساس خلأ در درون ..... ۱۰۴

۱۰۵	..... ۱-۵-۶. احساس خلأ بیرونی
۱۰۵	..... ۱-۵-۷. علم‌گرایی افراطی
۱۰۵	..... ۱-۵-۸. یأس فلسفی
۱۰۶	..... ۱-۵-۹. دوره‌ی فترت
۱۰۷	..... ۱-۶. نتیجه‌گیری
۱۰۹	..... فصل دوم
۱۰۹	..... معناداری و هدفمندی زندگی از دیدگاه علامه (ره)
۱۰۹	..... و شهید مطهری
۱۱۰	..... ۱-۲. مسأله آفرینش
۱۱۱	..... ۱-۱-۲. هدفمندی خلقت
۱۱۴	..... ۲-۱-۲. قوس صعود و نزول خلقت
۱۱۸	..... ۳-۱-۲. جایگاه انسان در نظام آفرینش
۱۲۰	..... ۴-۱-۲. هدف خلقت انسان
۱۲۳	..... ۲-۲. مسأله شناخت انسان
۱۲۳	..... ۱-۲-۲. وجه تمایز انسان از حیوان
۱۲۴	..... ۱-۲-۲. نفس ناطقه
۱۲۵	..... ۲-۲-۲. عقل
۱۲۸	..... ۱-۲-۱-۲-۲. مصادر ادراک عقل
۱۲۹	..... ۲-۲-۱-۲-۲. درجات ادراکات عقل
۱۲۹	..... ۳-۲-۱-۲-۲. مراتب کمال عقل
۱۳۰	..... ۴-۲-۱-۲-۲. حکومت قوه عاقله
۱۳۱	..... ۳-۱-۲-۲. اختیار
۱۳۴	..... ۳-۲-۲. دوبعدی بودن وجود انسان

- ۱۳۷ ..... اثبات معاد ..... ۴-۲-۲
- ۱۳۸ ..... مقایسه حیات حقیقی با حیات بی مفهوم دنیایی در قرآن ..... ۵-۲-۲
- ۱۴۰ ..... عوالم سیر وجود انسان ..... ۶-۲-۲
- ۱۴۲ ..... ۳-۲. مسأله شناخت خدا.....
- ۱۴۳ ..... وجود خداوند ..... ۱-۳-۲
- ۱۴۳ ..... فطرت ..... ۲-۳-۲
- ۱۴۵ ..... موانع شکوفایی فطرت ..... ۱-۲-۳-۲
- ۱۴۶ ..... راه عقلی شناخت خدا ..... ۳-۳-۲
- ۱۴۷ ..... براهین اثبات خدا ..... ۴-۳-۲
- ۱۴۸ ..... برهان حرکت ..... ۱-۴-۳-۲
- ۱۴۸ ..... برهان حدوث ..... ۲-۴-۳-۲
- ۱۵۰ ..... برهان صدیقین در بیان علامه طباطبایی ..... ۳-۴-۳-۲
- ۱۵۱ ..... صفات خدا ..... ۵-۳-۲
- ۱۵۴ ..... رابطه‌ی خدا و انسان ..... ۶-۳-۲
- ۱۵۸ ..... ۴-۲. نقد مبانی پوچ‌گرایی در کلام علامه طباطبایی و شهید مطهری.....
- ۱۶۱ ..... مسئله‌ی خلقت ..... ۱-۴-۲
- ۱۶۱ ..... بی‌معنایی زندگی ..... ۲-۴-۲
- ۱۶۵ ..... بی‌خدایی ..... ۳-۴-۲
- ۱۶۸ ..... تصویر نادرست در مورد انسان ..... ۴-۴-۲
- ۱۷۰ ..... انحصار حیات در حیات دنیوی ..... ۵-۴-۲
- ۱۷۵ ..... مسأله شر ..... ۶-۴-۲
- ۱۷۸ ..... معضل مرگ ..... ۱-۶-۴-۲
- ۱۸۱ ..... درد و رنج ..... ۲-۶-۴-۲

۱۸۴	.....۷-۴-۲. اعتقاد به جبر و عدم اختیار
۱۸۷	.....۸-۴-۲. نفی ارزش‌ها
۱۹۰	.....۹-۴-۲. مسئله‌ی زمان
۱۹۲	.....۱۰-۴-۲. سکولاریسم
۱۹۶	.....۱۱-۴-۲. ناکارآمدی عقل
۱۹۹	.....۱۲-۴-۲. طبیعت‌گرایی
۲۰۲	.....۱۳-۴-۲. از خودبیگانگی
۲۰۴	.....۱۴-۴-۲. عدم استدلال منطقی در مبانی پوچ‌گرایان
۲۰۷	.....۵-۲. نتیجه‌گیری
۲۱۰	.....جمع‌بندی نهایی
۲۱۲	.....منابع

## کلیات

پوچ‌گرایی، حقیقت ترسناکی است که زندگی بشر امروز را دچار اختلال کرده است؛ اما ریشه‌های تاریخی آن به سده‌های قبل بر می‌گردد. البته پوچ‌گرایی فقط یک مرحله‌ی تاریخی در اندیشه‌ی غربی نیست، بلکه تاریخی پنهان دارد که در زیر پوسته‌ی تاریخ غرب جریان داشته و اکنون آشکار شده است. انگار زخمی دهان‌گشوده و هر چه زیر پوست در جریان داشته، آشکار کرده است. نیهیلیسم بعد از جنگ‌های جهانی اول و دوم و مسائل ناشی از آن‌ها، به ساقط کردن نموده‌ها و امور عینی و ذهنی و بی‌ارزش دیدن همه‌ی آن‌چه را که وجود دارد رو کرده است. پوچ‌گرایی بیش از هر چیز، در یک تفسیر خاص، یعنی تفسیر مسیحی- اخلاقی، ریشه دارد و در واقع، نیست انگاشتن ساحت غیبی و انکار وجود و حضور آن و غفلت از حقیقت قدسی و باطن غیبی عالم است. پوچ‌گرایی با تمام وجوه و شئون و اشکال و ظهورات گوناگونش، یکی از ارکان ذاتی تمدن غرب و صفت ذات مدرنیته است؛ که مسئله‌ی جدی و مهم جهان غربی و یا غرب‌زدگان است.

در این رساله منظور از غرب معنای تاریخی- فرهنگی آن است، نه معنای جغرافیایی و یا سیاسی آن. غرب به عنوان یک مجموعه‌ی تاریخی - فرهنگی، دارای خصایص و ویژگی‌هایی است که نقطه‌ی شروع آن را می‌توان «انقطاع از وحی» دانست.

پوچ‌گرایی مثل قدرت بنیادی درک‌شدنی نیست. اما درباره‌ی جریان آن می‌توان تصویری را در نظر بگیریم و هرچند که پوچ‌گرایی فقط «هیچ» را لمس می‌کند ولی نمی‌توان آن را با آشوب، بیماری و شر مساوی گرفت. پوچ‌گرایی زمینه‌ی کاهش بشریت است و محو شدن خارق عادت آن‌چه که همراه آن است؛ که این محو شدن خارق عادت در جهان نیهیلیستی به آخرین مرحله‌ی خود رسیده است.

نهایت پوچ‌گرایی یعنی رسیدن به این نکته که هرگونه باور داشت نسبت به هر حقیقتی الزاماً خطاست. چراکه دنیای راستینی وجود ندارد. بنابراین همه‌چیز توهم صرف است. یا این که بپذیریم هیچ امری به‌عنوان هستی وجود ندارد. گوهر پوچ‌گرایی امری تاریخی است، تاریخی که در آن هیچ جایی برای هستی وجود نداشته باشد. از این رو در بسیاری از جامعه‌های عصر حاضر، برای مبارزه با نیهیلیسم و امکان چیرگی بر آن کوشش‌هایی صورت گرفته است که یکی از آن‌ها شناسایی هستی است. پوچ‌گرایی اوضاعی را توصیف می‌کند که در بین تجربه‌ی ما از

جهان و دستگاه مفاهیم در اختیار ما، که برای تفسیر جهان آن را به ارث برده‌ایم، شکاف به وجود می‌آورد. در این معنا، تجربه‌ی بحران متافیزیکی \_ اخلاقی، که در آن عادت و سنت‌های ما دیگر تاب نگهداری ما را ندارند، ویژه‌ی عصر مدرن نیست، بلکه از مشخصه‌های اساسی هر دورانی است که در آن خودشناسی انسان دچار دگرگونی اساسی می‌شود، مانند دوران زوال بنیادهای اسطوره‌ای یونان باستان.

تجربه‌ای که ما اکنون از پوچ‌گرایی داریم، نتیجه‌ی تفسیر خاصی از جهان و وجود انسان است که حدود دو هزار سال است که بر افق فرهنگی انسان غربی حاکم بوده است: «تفسیر مسیحی \_ اخلاقی» جهان. این تجربه در آغاز به شکست معنی و از دست رفتن خودشناسی منجر می‌شود. پوچ‌انگاری بدین معنی است که «والاترین ارزش‌ها خود را ارزش زدایی می‌کنند». از یک نهایت تجربه به نهایت دیگر می‌رود، از باور به ارزش‌های دینی و اخلاقی مطلق به باور به هیچ می‌رسد. با زوال جهان‌بینی مسیحی و نظام ارزش‌های جهانی آن، جهان بی‌معنی، بی‌هدف یا بی‌مقصد به نظر می‌رسد. به همین دلیل است که نیچه پوچ‌گرایی را «مرحله‌ی گذرای بیمارگون» می‌نامد. در واقع پوچ‌گرایی چیزی است که انسان باید آن را تجربه کند و از سر بگذراند.

نیچه معتقد بوده که پوچ‌گرایی هم از ضعف آدمی ناشی می‌شود و هم از قدرت فوق‌العاده‌ی او. به همین دلیل است که گفتند پوچ‌گرایی به همه‌ی قابلیت‌های بالقوه و بالفعل آدمی پشت می‌کند. داستایوسکی گفته است پوچ‌گرایی یا به تباهی می‌کشاند یا به زایش و توان مجدد، بستگی به این دارد که چگونه حرکت کند. پس پوچ‌گرایی تنها به بیهودگی کل هستی نمی‌انجامد، بلکه گاهی به بیهودگی و تکامل نگرش مبتنی می‌شود.

خیام می‌گوید:

دنیا دیدی و هر چه دیدی هیچ است

و آن نیز که گفتی و شنیدی هیچ است

سرتاسر آفاق دویدی هیچ است

و آن نیز که در خانه خریدی هیچ است

در حالی که ما در این رساله با توکل به خدای یکتا، به دنبال نقد این مکتب و تفکر، از منظر مفسر بزرگ قرآن کریم علامه طباطبایی (ره) و استاد مطهری هستیم. قرآن کریم به‌عنوان برترین و آخرین کتاب آسمانی برای بشر، مسئله‌ی هدف‌دار بودن آفرینش انسان را از زاویه‌ی ویژه‌ی مورد توجه قرار داده است و چنین می‌فرماید: ﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَ

أَنْكُمْ إِنَّا لَا تُرْجَعُونَ<sup>۱</sup> آیا چنین پنداشتید که ما شمارا به عبث و بازیچه آفریده‌ایم و هرگز به ما رجوع نخواهید کرد.

بنابراین، بحث در مورد هدف از خلقت انسان از زمان‌های گذشته مطرح بوده است. همان‌گونه که ذکر شد این موضوع ریشه‌ی قرآنی دارد. به همین دلیل، صاحب تفسیر المیزان علامه طباطبایی در تفسیر این آیه فرموده‌اند: در زمانی که هنگام مشاهده مرگ، و بعد از آن مشاهده برزخ، و در آخر مشاهده بعث و حساب و جزا دچار حسرت می‌شوید، آیا باز هم خیال می‌کنید که ما شمارا بیهوده آفریدیم، که زنده شوید و بمیرید و بس، دیگر نه هدفی از خلقت شما داشته باشیم، و نه اثری از شما باقی بماند، و دیگر شما به ما بر نمی‌گردید؟!.

هم‌چنین استاد مطهری در کتاب تکامل اجتماعی انسان بحث هدف از خلقت انسان را مطرح نموده و می‌فرماید: هدف از آفرینش انسان سعادت است که باید خود آزادانه انتخاب کند.

## ۱. تعریف مسأله

پوچ‌گرایی (نیپیلیسم) تفکر هولناکی است که بر زندگانی بشر امروزی سایه افکنده و ریشه‌های تاریخی آن به سده‌های قبل برمی‌گردد. در زبان فارسی به معنای «هیچ‌گرایه» یا «بی‌گرایشی» است و در اصطلاح به معنای «نفی همه‌چیز» است. البته معنای اولیه این واژه، هیچ‌چیز غیر از امور محسوس است.

در میان نظریه‌پردازان غرب «نیچه» این ایده را در گسترده‌ترین معنا به کار برده است. در مقابل فیلسوف نامی مسلمان مرحوم علامه طباطبایی (ره) هم در کتب فلسفی خود و هم در مواردی از تفسیر المیزان ذیل برخی از آیات قرآن کریم به اثبات موجودات و عالم مابعدالطبیعه که از نظر رتبه وجودی برتر از عالم ماده است، پرداخته است؛ همچنین استاد بزرگوار شهید مطهری در کتاب‌های خود به نقد این تفکر پرداخته است. که ما در این تحقیق به حول و قوه‌ی الهی در پی نقد مبانی تفکر پوچ‌گرایی از دیدگاه این دو فیلسوف متفکر هستیم.

## ۲. سؤالات تحقیق

### سؤالات اصلی

- ۱- از منظر مرحوم علامه طباطبایی و شهید مطهری چگونه می‌توان با استفاده از ادله‌ی عقلی یا نقلی به ابطال چنین تفکری پرداخت؟
- ۲- آیا این مکتب از استدلال‌های عقلی - منطقی برخوردار است؟

۱. مؤمنون/۱۱۵.



سؤال فرعی

۱- منشأ و مبانی تفکر پوچ‌گرایی چیست؟

### ۳. فرضیات

۱- مکتب پوچ‌گرایی از اتقان و انسجام کافی که لازمه‌ی یک مکتب فکری است برخوردار نیست.

۲- با استفاده از ادله‌ی عقلی و نقلی قوی در اثبات عالم مابعدالطبیعه و هدفمندی جهان و آفرینش انسان می‌توان به ابطال مبانی این مکتب پرداخت.

۳- منشأ و مبانی تفکر نیهیلیستی صرف برداشت شخصی برخی از صاحب‌نظران غربی و تحت تأثیر شرایط زندگی فردی و محیطی آن‌ها بوده است.

### ۴. ضرورت و هدف تحقیق

پوچ‌گرایی از جمله هجمله‌های فکری است که چند دهه نسل جوان را فرا گرفته و آنان را از تفکر واقعی در مورد عالم غیب و مابعدالطبیعه بازداشته، که بازتاب چنین تفکری در زندگی فردی و اجتماعی بشر آشکار و هویداست و بسیاری از بحران‌های بی‌هویتی بشر در عصر حاضر ریشه در همین تفکر دارد. ثمرات علمی آن «لابالی‌گری» و عدم تقیید به برنامه‌های دینی بشرساز است که متأسفانه در عصر حاضر دامن‌گیر نسل جوان شده است. ما در این رساله بر آنیم تا با یاری خدای متعال و با تکیه بر استدلال‌های عقلی و نقلی مرحوم طباطبایی (ره) در کتب فلسفی و تفسیری ایشان و اندیشه‌های شهید مطهری هر چه قوی‌تر به ابطال پایه‌های سست این مکتب پردازیم. به امید این‌که چراغی فرا راه انسان‌های گم‌گشته در دام پوچ‌گرایی باشد.

هدف از انجام این تحقیق اثبات عدم اتقان فلسفی مکتب پوچ‌گرایی و نجات انسان‌هایی که دنبال شناخت صحیح از غلتیدن در دام نیهیلیستی هستند؛ با استفاده از تفکرات فلسفی مرحوم علامه طباطبایی (ره) و شهید مطهری.

### ۵. پیشینه‌ی تحقیق

مشابه عنوان پیشنهادی رساله، پژوهش مستقلی در این مورد تاکنون صورت نگرفته، رساله‌ای تحت عنوان: «تبیین فلسفی- تاریخی - دینی از خودبیگانگی» در دانشگاه قم کارشده

که در یک فصل آن به صورت مختصر به نیپیلیسم و دیدگاه فیلسوفان غربی درباره‌ی آن پرداخته؛ و کتاب نیپیلیسم نوشته شهریار زرشناس در سال ۱۳۸۵ است.

## ۶. مفهوم شناسی

امروزه مفهوم پوچ‌گرایی نه فقط جز مفهوم‌های مبهم و مورد نزاع شمرده می‌شود بلکه به صورت مجادله بکار می‌رود. پوچ‌گرایی به مفهوم نفی و بیهودگی همه واقعیات و اعتقادات و باورهاست. پوچ‌گرایی را باید همچون سرنوشت ازلی در درون حس کرد؛ چون قدرتی بنیادی که هیچ‌کس نمی‌تواند از نفوذ آن خلاصی یابد. در واقع از نیستی نه می‌توان تصویری داشت و نه مفهومی. از این رو در مطالعات اجتماعی و روانی، جنبه‌ای از اوهام جنونی را، بخشی از پوچ‌گرایی نامیده‌اند.<sup>۱</sup>

پوچ‌گرایی فقط با حصارها و پیش‌میدان‌های نیستی تماس می‌گیرد و هرگز با خود این قدرت بنیادی ربط نمی‌یابد. این قضیه کاملاً شبیه به مسئله‌ی «مرگ» و «مردن» است. مردن را می‌توان تجربه کرد و آزمود، اما مرگ را نمی‌توان.

## ۷. معنای لغوی پوچ‌گرایی

واژه نیپیلیسم از واژه‌ی لاتین نیپیل (nihil) به معنای هیچ‌چیز؛ و پسوند (ism) است که بر گرایش و مشرب فکری و فلسفی خاصی دلالت دارد.<sup>۲</sup> درباره تاریخچه استفاده از لغت (nihil) باید گفت که این کلمه توسط صاحبان کلیسا در زمان انتقاد و حمله به شک‌گرایی و مکتب‌کلیبان استفاده شده است، اما برای اولین بار این کلمه در فلسفه مدرن به عنوان یک لغت فلسفی، در نامه فردریش هرمان یاکوبی (۱۷۴۳-۱۸۱۹) به فیثسته (۱۷۹۹) نوشته شده است. یاکوبی که منتقد کانت و یک «ایده‌آلیسم»<sup>۳</sup> پساکانتی است، گفته که از نیپیلیسم نگران و دل‌سوخته است.

واژه‌ی نیپیلیسم دارای پیشینه‌ای بیش از یک سده و معانی متفاوتی است؛ که پی بردن به تعریف صحیح آن چیزی است مانند قابل رؤیت کردن ویروس سرطان. البته این تعریف علاج درد نیست اما شرط علاج است.

۱. محمد آراسته خو، نقد و نگرش بر فرهنگ اصطلاحات علمی-اجتماعی، چاپ اول، (تهران: نشر گستر، ۱۳۶۹)، ص ۵۴۴.

2. The Encyclopedia of Routledge, v.7, p.5.

۳. ایده‌آلیست: کسی که معتقد است واقعیت اشیا برای خود وجود ندارد و آن‌چه که واقعیت دارد عبارت است از من، عقل، درک، شعور، ذهن. و جهانی که عینی انگاشته می‌شود انعکاسی از همان من یا عقل... است. (محمدتقی جعفری، تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی جلال‌الدین محمد مولوی، (تهران: انتشارات اسلامی، بی‌تا)، ج ۲، ص ۱۵۰-۱۵۱).

دشواری تعریف نیهیلیسم در این است که جان نمی‌تواند از «نیستی» تصویری داشته باشد، جان، در این حوزه به منطقه‌ای نزدیک می‌شود که در نگرش محو می‌شود و هم شناسایی؛ این دو وسیله‌ی بزرگ ابزار کار جان‌اند.

نیهیلیسم «Nihilism» یا پوچ‌گرایی از ریشه‌ی لاتین کلمه‌ی «Nihil» است و آن به معنی «هیچ» است.<sup>۱</sup> در کتاب بزرگ لغت فرانسه (GRANDE AROUSSE) مرادف این کلمه به زبان فرانسه کلمه (rien) و مرادف انگلیسی آن (no thing) است.

در نخستین نگاه، اغلب از آن به متداول‌ترین معنایش یعنی «فائل بودن به بی‌هدفی و بی‌معنایی زندگی» تعبیر می‌شود. که همان فراموش کردن حقیقت و دچار فراموشی و غفلت و توهم گردیدن است. پوچ‌گرایی فراموش کردن حق و انکار ساحت و غایت عالی حیات و دور شدن از «خود حقیقی» و «گوهر معنوی خویشتن» است.

هرمان راتوشنینگ معانی مختلف این مفهوم را چنین بیان می‌کند: نیهیلیسم از کلمه لاتین «نیهیل» که به معنی هیچ و تهی است می‌آید. بنابراین در وهله‌ی اول، روشنگر وضعی است که در آن مفهوم «هیچ» دال بر غیاب چیزی است که می‌بایستی وجود داشته باشد.

عام‌ترین معنای فلسفی این اصطلاح در بعضی موارد به نظریاتی نسبت داده می‌شود که مدعی‌اند، عدم واقعاً به معنایی وجود دارد. درزمینه‌ی اخلاقی، نیهیلیسم به آرای تعلق می‌گیرد که منکر هرگونه وجه امتیاز میان خیر و شر هستند؛ و در معنای سوم به پنداری گفته می‌شود که وجود را واهی و غیر واقعی می‌داند و فرا گذشتن از آن را از طریق تجربه‌ی عدم می‌جوید.<sup>۲</sup>

تعریف دیگر از نیهیلیسم: در یک کلمه به معنی «نفی‌گرایی» است یعنی گرایش به سمتی که در مرحله‌ی اول هیچ پاسخ مثبتی به انسان، درباره‌ی مسائل مربوط به زندگی، نمی‌دهد، چنانکه بعضی از مردم نیز هستند که ارزش چیزی یا کسی را انکار می‌کنند ولی چیز ارزشمند دیگری را هم ندارند که در برابر آنچه نفی می‌کنند، ارائه دهند.<sup>۳</sup>

معنایی دیگر از هیچ‌انگاری: والاترین ارزش‌ها از ارزش خود می‌کاهند. هدفی در کار نیست؛ «چرا؟» پاسخی نمی‌یابد. هیچ‌انگاری سازش‌ناپذیر، عبارت از این اعتقاد است که وجود مطلقاً غیرقابل دفاع است، زمانی که آن را با والاترین ارزش‌هایی که می‌شناسیم مقایسه

۱. ر.ک: بابک احمدی، کتاب هایدگر و تاریخ هستی، چاپ اول، (تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۱)، ص ۳۴ = ۳۵.

۲. داریوش شایگان، آسیا در برابر غرب، چاپ سوم، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۸)، ص ۱۳.

۳. علی غفوری، یادداشتهایی درباره نیهیلیسم، (بی‌جا: دفتر نشر فرهنگ، بی‌تا)، ص ۴۸.

می‌کنیم؛ علاوه بر این تشخیص این امر است که ما، به هیچ روی، حق نداریم از برای اشیا یک ماورا یا یک «در ذات خویش» قائل گردیم، که «خدایی» مجسم شود.<sup>۱</sup>

نیپیلیسم فلسفی همان‌طور که از نامش پیداست، فلسفه نفی، رد یا انکار بعضی یا تمامی جوانب اندیشه یا حیات است.

## ۸. معادل‌های فارسی پوچ‌گرایی

نیپیلیسم در زبان فارسی، واژه‌ای تازه است و در فارسی قدیم وجود و سابقه‌ای نداشته و نمی‌بینیم، به گفته‌ی صادق هدایت: کسانی که چنین دیدگاه و فلسفه‌ای داشته‌اند را «فلسفی و ده‌ری» می‌نامیدند. حتی خود هدایت، در ترانه‌های خیام، خیام را «ده‌ری» می‌نامد. پس واژه‌ی نیپیلیسم، چندین دهه و پس از برخورد و آشنایی با فرهنگ اروپایی است که به این زبان آمده است. ولی اکنون همه‌ی ما، چنین کس، گروه و یا در حقیقت این گروه‌ها را که اینک بزرگ و گسترده شده است را به نام «نامیده‌ها، بدبین‌ها، پوچ‌گراها، نیست‌انگراها، یأس‌انگراها، بی‌گرایش‌ها، نیست‌گراها، و نیپیلیست‌ها» می‌شناسیم و دیدگاه چنین کسانی را «پوچ‌گرایی، نیست‌انگاری، نیست‌گرایی، هیچ‌انگاری، سیاه‌انگاری و نیپیلیسم» می‌نامیم. از این‌رو ما در این رساله واژه‌ی نیپیلیسم را به علت کاربرد بیشتری که در کتاب‌ها و در بین عامه‌ی مردم دارد را بیشتر از معادل‌های دیگر بکار می‌بریم. از آن جایی که پوچ‌گرایی و نیپیلیسم مترادف هستند و هر دو از واژگان کلیدی این رساله هستند، به دلیل اجتناب از تکرار و توضیح بیشتر، از آوردن معنای لغوی و اصطلاحی جداگانه‌ی این دو واژه‌ی مترادف خودداری کرده‌ایم.

پوچ‌گرایی با از خودبیگانگی و ناشنوایی نسبت به وجود خود و درنیافتن صدای فطرت درونی، تلازم دارد.

## ۹. معنای اصطلاحی پوچ‌گرایی

اصطلاح نیپیلیسم اساساً ناظر به معنای واحدی نیست؛ بلکه در حوزه‌های مختلف معنای مختلفی دارد. ظاهراً اصطلاح نیپیلیسم را برای اولین بار هرمان پاکوبی متفکر آلمانی در نامه‌ای به یوهان گوتلیب فیشته فیلسوف آلمانی در سال ۱۷۹۹ میلادی به کار برده است؛ که در آن هشدار داده که ایده‌آلیسم فلسفی گونه‌ای منش نیپیلیستی دارد. یعنی دیگر به چیزی بیرون از ذهن وابسته نیست. درباره‌ی اصطلاح نیپیلیسم گفته‌اند (nothing de tout) یعنی (نفی همه‌چیز) یا نپذیرفتن راه‌حلی که تاکنون در پاسخ سؤال «چه باید کرد؟» داده شده است.

۱. فردریش نیچه، اراده قدرت، چاپ چهارم، (تهران: جامی، ۱۳۸۶)، ص ۲۶.